ملیت پارسیان

در تحت عنوان فوق آقای نریمان که از پارسیان دانشمند هند و از نویسندگان نامی آن کشور هستند در جریدهء«بمبئی کرنیکل»1مورخه‏ 28 فوریه 1928 مقاله‏ای بزبان انگلیسی عطف بمقالهء اساسی شمارهء 20 مجلهء آینده نگاشته‏اند.قبلا ترجمهء قسمتی از مقالهء ایشان را درج و سپس نظریات‏ انتقادی خود را بر آن میافزائیم:

«در شمارهء اخیر مجلهء آینده مقام افتخار را مقالهء خیلی دقیقی در موضوع ملیت و وحدت ملی ایران داراست که برای هندوستان حائز اهمیت است. دکتر افشار مدیر مجله و نویسندهء مقالهء مزبور اوضاع ممالک مختلفه‏ اروپا و آسیا را از حیث ملیت مورد مطالعه قرار داده و نشان می‏دهد که با این موضوع آشنائی کامل دارد-بعقیدهء یشان ما به الاختلاف فقط تفاوت زبان یا مذهب نیست و تمام ایران از بحر خزر تا خلیج‏فارس‏ یکی است.اختلاف زبان اهالی آذربایجان را که ترکی و خوزستان را که‏ قسمتی از آن عربی میباشد دلیل نمیداند بر اینکه از وحدت ملی ایران‏ مجزا باشند-اظهار بدیهی انگلیسها که اخیرا در پارلمان انگلستن بایرانی‏ بودن شیخ خزعل رئیس سابق خوزستان اذعان کردند مؤید نظر نویسنده‏ است.این عقیدهء مشارالیه که یهودیها و ارامنه باید از ملیت ایرانی‏ مجزا محسوب شوند مورد انتقاد واقع خواهد شد.ولی از طرفدیگر دکتر افشار مؤکدا و محبانه تصدیق مینماید که کلیهء زردشتیان داخل‏ ملیت ایرانن و این خود دلیل دیگریست بر پاکی و حقیقت نهضتی که‏ برای بدست آوردن مساعدت ناقابل پارساین در تجدید حیات ایران شروع‏ شده است....

«خلاصه استدلال دکتر افشار براییکه پارسیان ایران و هندوستان‏ (1) Bombay Chronicle

هر دو داخل در ملیت ایرانند بقرار ذیل است:اگر چه زردشتیان ایران‏ از نظر مذهب با سایر ساکنین ان مملکت یکی نیستند و چندین قرن است‏ که انها با غیر زردشتیان ازدواج نمیکنند لیکن از نظر نژاد و تاریخ چند هزار ساله جزء لا یتجزای ایران محسوب میشوند.ملاحظات این نویسنده‏ راجع به پارسیان هندوستان که حاکی از وسعت نظر و پیش‏بینی آینده‏ میباشد قابل ملاحظه جدی است،و اما نظر شخصی اینجانب بر این است‏ که پارسیان«هندی»هستند ولو اینکه سوابق تاریخی با ایران نظریه وسیع‏ دکتر افشار را از حیث آمال تائید نماید.دکتر چنین استدلال میکند که پارسیان مقیم هندوستان بطوریکه از اسم آنها معلوم میشود اهل‏ پارس یا فارس هستند و با اینکه بالغ بر هزار سال است در خارج ایران‏ مسکن دارند با ایرانیان از یک خون و یک خانواده‏اند.وضع و رابطهء آنها نسبت بهندوستان نظیر موقع و رابطهء یهودیان و ارامنه است نسبت بایران‏ با عبارتیدیگر،بعقیده مشارالیه،هرچند مسکن یهودیان و ارامنه در ایران‏ باشد لیکن آنها جزء ملیت ایران نیستند و بر عکس پارسیان«ایرانی»محسوب‏ میشوند ولو اینکه در هندوستان متوطن باشند...الخ»

\*\*\* اینکه آقای نریمان پارسیان هند را«هندی»میدانند اگر مقصود ایشان این باشد که آنها در هند تولد شده و در آنجا متوطن و تبعه حکومت‏ هند هستند و حتی بگفته فرانسویها«سیتواین» Citoyen آن مملکت‏ محسوب میشوند ما حرفی نداریم و بر گفته ایشان ایرادی وارد نمیباشد کما اینکه تمام این صفات را ارامنه و یهودیان ایران نیز نسبت بایران‏ دارا میباشند،ولی اگر مقصودشان این است که پارسیان متعلق بملیت هند هستندا مروز اصلا ملیتی بدان معنی که منظور و مفهوم کلمه است در هند وجود ندارد تا پارسیان نیز در آن داخل باشند.تاریخ و حقوق سیاسی هر نسبتی را که برایا رامنه ایران قائل شد نظیر آن نسبت نیز بمیزان کمتری دربارهء پارسیان هند صدق میکند.اگر بتوان بتمام معنی ارامنه ایران‏ را ایرانی و جزء ملیت ایران دانست پارسیان هند نیز هندی و داخل در «ملیت»هند هستند.چه موجب شده است که ارامنه ایران خود را ایرانی‏ نمیدانن و ما نیز انها را جزء ملیت ایران نمیشماریم؟-این حقیقت است‏ که در خارج ایران جمعیت زیادتری از همان خون و نژاد و بیخ و تبار تشکیل ملتی داده و کانون ملی دارند.بهمین ملاحظه نیز پارسیان مقیم‏ هند را نمیتوان هندی نامید چه آنکه در خارج از هند در ایران هم نژادان‏ آنها ایرانیان ملت و مملکتی دارند.شاید یک مسئلهء حقوقی و سیاسی‏ تولید اشتباه کند و آن اینکه پارسیان بگویند اگر زردشتیان ایران را سایر ایرانیان جزء ملیت ایران میدانند و بهمین واسطه ما را نیز ایرانی‏ میشمارند پس چرا در انتخابات عمومی مانند ارامنه و یهودیان آنها هم حق شرکت‏ ندارند و وکیل جداگانه انتخاب میکنند؟البته این خلاف انتظارها که بر حسب عادات و اخلاق مرسوم است دیر یا زود از بین خواهد رفت و نباید موجب سوءتفاهم باشد.در خاتمه ما جدا معتقدیم که پارسیان هند داخل در ملیت ایرانند و ایرانیان هم آنها را مانند برادران خود دوست‏ میدارند.معهذا وحدت ملی انها با ما باعث نخواهد بود که انها نسبت‏ بوطن ثانی خود هندوستان و هموطنان حالیه خویش هندیان که با کمال‏ عزت و مهربانی از آنها پذیرائی کرده و میکنند بدبین و بی‏علاقه باشند یا هندیان بپارسیان بنظر بیگانه بنگرند،همچنانکه ما نیز نسبت‏ بارامنه که هموطن ما هستند کمال محبت را داریم و انها نیز با ما مهربان هستند.

اگر دلائل فوق اقای نریمان را قانع نکند حاضرم ادله دیگری‏ بر اثبات عقیده خود بیاورم و منتظر مقاله جدیدی از ایشان در همین‏ موضوع خواهم بود.د.ا.